

جهاني شدن رسانه و تحقق امت واحده اسلامي

جهاني شدن رسانه و تحقق امت واحده اسلامي

(نگاهي به فرصت ها و تهديدهاي پيش رو جهان اسلام در فرايند جهاني شدن رسانه ها)

جميل ميلاني[1]

علي اميني[2]

چکیده

جهاني شدن واقعيت دنياي امروز ماست. فرايندي که تغييرات مهمي به دنبال داشته است. توسعه روزافزون رسانه هاي مختلف اعم از ماهواره ها و شبکه هاي ديجيتال و دنياي مجازي در دنياي ارتباطات را دگرگون ساخته است. طبيعي است که اين فرايند فرصت ها و تهديدهايي را به دنبال دارد. از طرفي دين اسلام به عنوان ديني جهانشمول همواره در پي گسترش خود و دعوت ديگران به حقانيت بوده است.

پژوهش پيش رو ضمن برشمردن وضعيت «جهاني شدن» و در راس آن گسترش عصر ارتباطات، تلاش دارد تا وضعيت جهان اسلام را در اين فرايند مورد مذاقه و بررسي قرار دهد و راهکارهايي را براي استفاده هر چه بهتر از اين وضعيت در راستاي همگرائي جهان اسلام و تبیین مواضع اسلامي ارائه دهد. بالا بردن سواد رسانه اي، تلاش براي همگرائي رسانه اي در جهان اسلام و تبیین مواضع اسلام واقعي و پاسخ به شبهات از جمله اقداماتي است که مي تواند در جهاني شدن رسانه در دستور کار قرار گيرد. پژوهش حاضر به شيوه توصيفي- تحليلي و با استفاده از منابع کتابخانه اي و اينترنتي به انجام رسيده است.

کلمات کلیدی: جهاني شدن، جهان اسلام، رسانه، امت واحده، رسانه هاي اسلامي

امروزه در عصري به سر مي برسيم که با عناوين و اسم هاي مختلفي همچون عصر ارتباطات، عصر تکنولوژي، عصر پست مدرن و ... نامگذاري شده است. اين دنياي جديد متفاوت از قبل است و در اين عرصه متحول شده هر روز با امکانات جديدي روبه رو هستيم که بيش از پيش زندگي بشر را تحت تاثير قرار مي دهند. آن چيزي که ما به عنوان جهاني شدن «Globalization» مي ناميم، يکي از قدرتمندترين رخدادهايي است که در تاريخ بشريت رخ داده است. جهاني شدن در ابعاد سياسي، اقتصادي و فرهنگي، مبحثي است که در حال حاضر توجه بسياري از اندشمندان و علاقه‌مندان در حوزه هاي مختلف معرفت بشري را به خود جلب کرده است. اين فرايندگريزنا پذير موجب دگرگوني هاي بسياري در مرزهاي جغرافيايي و هويتي شده است. همچنين جهاني شدن موجب تغييرات بسيار گسترده اي در سطح جهاني شده و اين تغييرات وسيع در سطوح و ابعاد مختلف رخ داده است. جهاني شدن علاوه بر سه حوزه اقتصاد، سياست و فرهنگ، بر حوزه دين و باورهاي مذهبي نيز در جوامع گوناگون تأثيرگذار بوده است. جوامع مختلف هر يک از نظام ارزشي برآمده از سنت ها و اعتقادات ديني خاصي برخوردارند و در مواجهه با جهاني شدن، اين ارزش ها دچار چالش مي شوند، به عبارت ديگر جهاني شدن با ايجاد دگرگوني در جوامع نوعي بحران هويت را با خود به همراه مي آورد. بسياري از نظريه پردازان نوين بر اين باورند که در فرآيند جهاني شدن يکي از مهم ترين جلوه ها نقش رسانه هاي جديد اعم از شبکه هاي ماهواره اي و رايانه اي اهتمام آنها به رشد تک فرهنگي جهاني است. تغييرات و تحولات بي سابقه اي که همزمان با سپري شدن دهه آخر قرن بيستم به وقوع پيوسته، رسانه ها را از امکانات و فرصت هاي بزرگ و مسائل بزرگ تر برخوردار کرده است. اين فرصت ها از نياز جهاني به کسب اطلاعات ناشي شده است.

جهاني شدن

پيرامون جهاني شدن، از مناظر گوناگون اجتماعي، سياسي، اقتصادي، فرهنگي و يا ترکيبي از اينها بحث شده است. برخي مفهوم جهاني شدن را به مجموعه فرايندهاي پيچيدهاي اطلاق کرده اند که به موجب آن، دولت هاي ملي به نحو فزاينده اي به يکديگر مرتبط و وابسته مي شوند و همين ارتباط و وابستگي است که براي مفهوم حاکميت ملي و دولت ملي مشکلاتي ايجاد مي کند (نش، 1380: 10). جاندسکات، جهاني شدن را -فرايندي ميداند که در حال ساختن فضاي جديد اجتماعي است (Chaucil: 4272000). ديويدهلد جهاني شدن را حرکت به سمت نوعي دموکراسي جهاني (cosmopolititionDemocrocy) تعريف مي کند که در عين حال کثرت فرهنگي و اقتصادي را نيز در خود خواهد داشت (Held: 1999, 12). کاربرد اصطلاح جهاني شدن به دو کتاب بر مي گردد که در سال 1970 ميلادي منتشر شدند. کتاب اول، «دهکده جهاني» village Global تاليف مارشال

ماک لوهان است که بر نقش تحولات وسایل ارتباط و تبدیل شدن جهان به دهکده واحد جهانی متمرکز است. کتاب دوم نوشته زیگنو برژینسکی، رئیس شورای امنیت ملی آمریکا در دوران ریاست جمهوری کارتر است، مطالب آن درباره نقشی است که ایالات متحده برای رهبری جهان و ارائه نمونه جامع نوینسم باید به عهده بگیرد (عبدالحمید، 1379، 152).

مالکوم واترز، جهان‌نشدن را فرایندی اجتماعی می‌داند که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است، از بین می‌رود و مردم به طور فزاینده، از کاهش این قیدها و بندها آگاه می‌شوند. رابرتسون جهان‌نشدن را فشرده شدن جهان و تشدید آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل می‌داند. دیوید هلد نیز جهان‌نشدن را حرکتی به سوی نوعی مردم سالاری جهان شمول می‌داند که در عین حال، کثرت فرهنگی و اقتصادی نیز در بر خواهد داشت. افرادی چون فریدمن نیز آن را ادغام سرخستانه بازارها، دولت‌های ملی و فناوری‌ها به درجه‌ای که پیش از این هرگز دیده نشده، می‌دانند و بر این باورند که جهان‌نشدن یعنی گسترش سرمایه‌داری بازار آزاد به بیشتر کشورها (نیاکونی، 1386: 2-3).

آنچه مشخص است، این است که جهان‌نشدن می‌توان ناظر به تحولات جدیدی دانست که در حوزه‌های گوناگون زندگی بشر (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، زیست محیطی و سایر موارد) روی داده است. این اصطلاح به فرایندهایی اطلاق می‌شود که جهان را فشرده ساخته و به شکل گرفتن فضای جهانی واحد کمک می‌کند. بخشی از این فرایندها اجتماعی است که در طی آن قید و بندهای جغرافیایی، که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است، از بین می‌رود و انسانها به طور فزاینده از کاهش این قید و بندها آگاه میشوند. بخشی دیگر از این فرایندها نیز به گسترش دامنه فعالیت و نفوذ سازمان‌های فراملی سیاسی و اقتصادی مربوط می‌شود که حوزه اقتدار دولت‌ها را تضعیف می‌کند (درستی، 1380: 122). برخی جهان‌نشدن را یک پروژه (جهانی‌سازی)، برخی دیگر آن را یک روند می‌دانند. بنا به دیدگاه نخست، جهان‌نشدن، امری ارادی و متأثر از سیاست‌های اقتصادی کشورهای غربی است، در حالی که در دیدگاه دوم، این امر پدیده‌ای غیر طراحی شده و نتیجه انقلاب اطلاعاتی است (حقیقت، 1382: 452). بنابراین، درباره ماهیت جهان‌نشدن، دو نگرش بدبینانه و خوش‌بینانه وجود دارد؛ در نگرش بدبینانه، جهان‌نشدن معادل با جهانی‌سازی است که در صدد همگن‌سازی جهانی از رهگذر تسلط فرهنگ و اقتصاد غرب به ویژه آمریکا بر سایر ملل است و در نگرش خوش‌بینانه، جهان‌نشدن، فراگردي غیرارادی و در حال وقوع است که ناظر بر گسترش مراودات اجتماعی، امپراتوری جامعه مدنی، بالا بردن همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و گفتوگوی تمدنهاست (دهشیری، 1380: 5-18). گروه اول بر تاثیر و کنترل فرهنگ آمریکایی بر رسانه‌های عمومی، در فرایند جهانی شدن، اشاره دارند (Ardalan: 2009، 518). در حالی که گروه دوم آن را روندی طبیعی قلمداد می‌کنند.

با توجه به تعاریف گفته شده اصول و ویژگیهای جهان‌نیشدن عبارتند از:

- 1- جهانی شدن فرآیندی تك بعدی نیست؛ بلکه این پدیده فرآیندی منسجم و یکپارچه است که در تمامی عرصه‌ها و حوزه‌های اجتماعی رسوخ کرده است.
 - 2- ارتباطات متقابل؛ جهان‌نیشدن موجب وابستگی شدید در حوزه ارتباطات و افزایش پیوندها و تعاملات اجتماعی در دل شبکه‌های جهانی می‌گردد که حاصل این فرایند كوچك شدن جهان و تحقق نظر «دهکده جهانی» است (عبدالحمید علی، 1379: 154).
 - 3- جهان‌نیشدن پدیده‌ای چالش‌گراست به گونه‌ای که ابعاد آن قلمرو بسیاری از مفاهیم کلاسیک همچون نظم، امنیت، دولت، حاکمیت ملی، هویت، اقتدار ملی، فرهنگ و سایر ابعاد را در نورددیده و زمینه را برای تفسیر و باز تعریف آنها فراهم کرده است. گفته می‌شود که هسته اصلی مفهوم جهان‌نیشدن در این معنا خلاصه می‌شود که دیگر، واحد دولت ملی چارچوب کارآمد و مناسبی برای تبیین بسیاری از پدیده‌ها و رویدادهای فعلی نیست.
 - 4- جهان‌نیشدن يك فرآیند و پروسه است نه يك وضعیت غائی، ما در جهان‌نیشدن با فرآیند «شدن» سرو کار داریم، فرآیندی که به كمك عواملی همچون نظام ارتباط جهانی، سازمانهای بین‌المللی و دیگر موارد مرزهای ملی را نادیده گرفته و بسیاری از پدیده‌ها را دستخوش تحول و تبدیل و تأثیرپذیری کرده است، بطوری که گفته می‌شود جهان‌نیشدن روندی اجتناب‌ناپذیر است (کاظمی، 1380: 14).
- یکی از پیامدهای جهان‌نیشدن، همگرایی در عرصه جهانی و مواجه شدن همه ملت‌ها با ریسک‌های مشترک و تقدیر مشترک است. شتاب و تراکم ارتباطات و تسهیل انواع مبادلات این امکان را به وجود آورده است که پیامدهای بسیاری از اقدامات خود را به خارج از مرزها منتقل کنیم (ها برماس، 1380: 87). از نظر برگر، برای برخی جهان‌نیشدن، نوید جامعه مدنی بین‌المللی را میدهد که شامل دمکراتیزه شدن و صلح جهانی است. برای گروهی نیز جهان‌نیشدن، مفهومی به جز روبه رو شدن با تهدید برتری طلبی سیاسی و اقتصادی آمریکایی همراه با پیامدهای فرهنگی آن به همراه نمی‌آورد. در واقع، تهدیدات این چنانی و نویدهای آن چنانی، تهدیدی بیش نیستند و این ادعاها بازتابی از تصویر پیچیده جهان‌نیشدناست که از تصورات ما شکل گرفته است (برگر و هانتینگتون، 1384: 7-28). جهان‌نیشدن، پدیده‌ای چند بعدی است؛ از این رو اقتصاد، سیاست، فرهنگ و امور بسیاری را در بر می‌گیرد و با تحقق آن، مرزهای ملی از بین رفته و یا کم رنگ می‌شود؛ کشورها نقش گذشته خود را از دست میدهند، و به جای قوانین داخلی، قوانین بین‌المللی بر کشورها حاکم میگردد (رجایی، 1380: 40). به طور کلی، در فرآیند جهان‌نیشدن، ویژگیهای اصلی دولت ملی همانند اهمیت و نقش مرزها، رو به زوال است. در سطح فرهنگ باید از ظهور جامعه مدنی جهانی سخن

گفت. جنبشهای فرهنگی و اجتماعی بین المللی جزئی از این جامعهاست و به مسائل و موضوعاتی چون رعایت حقوق بشر و آزادیهای مدنی از جانب دولتهای ملی نظر دارند که از حدود توانایی و دید دولتهای ملی بسی فراتر میروند (نش، 1380: 10-13). جهانپیدن فرایندی اجتماعی است که در آن، قید و بندهای جغرافیایی، فرهنگی، مذهبی که بر روابط انسانی سایه افکنده، از بین میرود. البته هر چند جهانپیدن یک روند سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است، اما بیش از همه، روندی اقتصادی است (تاملیسون، 1381: 28). مانوئل کاستلز با اشاره به عصر اطلاعات، جهانی شدن را ظهور نوعی جامعه شبکه ای می داند که در ادامه حرکت سرمایه داری، پهنه اقتصاد، جامعه و فرهنگ را در بر می گیرد (Kastelz: 1990، 490) و همانطور که مانوئل کاستلز اشاره دارد؛ آنچه محرز است جهانی شدن با توسعه جهانی بازارهای اقتصادی همراه بوده است (Giddens: 1990) اما بیش از همه توسعه بازارهای اقتصادی نتیجه فعالیت گسترده شرکتهای چند ملیتی بوده که نقش محوری را در فرآیند جهانی شدن ایفا نمود (sklair: 1994). اگر رسانه های بین المللی را کارگزاران اصلی جهانی شدن بدانیم، چندان اغراق نکرده ایم.

جهانی شدن رسانه

«رسانه، خود یک پیام است» جمله ای است که سی و اندی سال پیش مک لوهان پیرامون نقش و اهمیت بسیار بالای رسانه ها در جامعه بین المللی بیان نمود. وی در مورد رسانه ها می گوید: ما امروز موفق شدیم تا دامنه سیستم اعصاب مرکزی خود را، به یک بستر جهانی نیز گسترش دهیم؛ سیستمی که مفاهیم اصلی سیاره ما را – یعنی زمان و مکان – از پیش پای خود برمی دارد. بر این اساس امروز، دیگر کره زمین چیزی جز یک دهکده نیست.

امروزه نقش رسانه ها و میزان نفوذ آنها در ساخت فرهنگی جوامع بر کسی پوشیده نیست. برخی از نظریه پردازان ارتباطات معتقدند امروز جهان در دست کسی است که رسانه ها را در اختیار دارد. نقش عمده رسانه ها در شکل دهی به افکار عمومی باعث شده اهمیت رسانه ها تا این حد مورد توجه قرار گیرد. در نظر صاحب نظران غربی، در اختیار داشتن وسایل ارتباط جمعی و فناوری های جدید ارتباطی، مساوی با در اختیار داشتن استیلای فرهنگی است. به باور برخی از جمله «ادگار موران» جامعه شناس فرانسوی استعمار در دو شکل مستقیم و غیرمستقیم یا استعمار نو، ظهور یافته و پس از تبدیل استعمار مستقیم به استعمار غیرمستقیم، وادی فرهنگ به عنوان ابزار این استعمار به خدمت گرفته شده و از این پس هر فردی که روی زمین متولد می شود، فکر و اندیشه او تخدیر می شود. از این رو استعمار، دائمی و همیشگی شده و به محدوده های صرفاً جغرافیایی نیز ختم نمی شود. تا جایی که ضرب و زور نظامی نیز در آن جایی ندارد. مهم ترین ابزار این تخدیر فرهنگی نیز رسانه است. اهمیت رسانه های گروهی تا حدی است که دانشمندان در تقسیم بندی مراحل تاریخی تمدن بشر، آن را لحاظ کرده اند. آلوین تافلر تمدن بشری را به سه مرحله تقسیم می کند که شامل مرحله کشاورزی، مرحله صنعتی و مرحله

فراصنعتی یا عصر ارتباطات و اطلاعات است. در عصر فراصنعتی، قدرت در دست کسانی است که شبکه های ارتباطی و اطلاعاتی را در اختیار خود دارند (تافلر، 1377: 57).

از طریق ماهواره، اینترنت و... جهان جدیدی به موازات جهان واقعی به وجود می آید که دارای دو ویژگی اصلی است: فرهنگ واقعیت مجازی؛ رسانه ها رسانه های الکترونیکی مخاطبان وسیع و متکثری دارند که مجموعه هایی از حیث محتوای نمادین به این افراد عرضه می کنند. در چنین شرایطی فضای مجازی شکل می گیرد و فرهنگ ها همه از طریق واسطه های الکترونیکی منتقل می شود و زمان بی زمان و فضای جریان ها: مفاهیم زمان و مکان معانی تازه یی پیدا می کند. فواصل زمانی و مکانی عملاً از میان برداشته می شود و انتقال این اطلاعات و داده ها و سرمایه ها و امکان ارتباط همزمان میان افراد در نقاط مختلف به وجود می آید. رسانه های گروهی دو نقش اساسی در تغییر فرهنگی جامعه های امروزی بر عهده دارند، از یک سو فرهنگ توده را نشر می دهند و از سوی دیگر منبع تغذیه نخبگان جامعه با هدف نوآوری و ابداع هستند، به عبارت دیگر رسانه های گروهی حلقه اتصال محیط بزرگ یا جامعه کل با محیط کوچک است. در باب اهمیت و تاثیر رسانه ها در فرهنگ «ژودیت لازار» معتقد است: رسانه ها در فرهنگ جامعه نقش غالب را بازی می کنند و این بازی را نه فقط با بازتاب دادن فرهنگ بلکه با شرکت در فرهنگسازی نیز به اجرا می گذارند (پورناجی، 1387: 8).

بدون شك انواع رسانه های ارتباطاتی، همچون تلویزیون، کامپیوتر، ماهواره، اینترنت و نیز مطبوعات، در ایجاد يك فرهنگ جهانی مشتمل بر يك رشته هنجارها، آداب و عادات مشترك سهم بسزایی داشته اند. بدین ترتیب رسانه ها را باید منادی فرهنگ جهانی بدانیم. آنان با اتخاذ مشی "نسبیت گرایي فرهنگی" ارزشها، نهادهای سنتی و مذهبی و نیز ثبات سیاسی بسیاری از جوامع من جمله کشورهای جهان سوم را سخت تحت تأثیر خود قرارداده اند.

رسانه های بین المللی به تنهایی در ترویج يك فرهنگ جهانی نقش ندارند. در حقیقت، اگر قدرتهای ملی در مواجهه با این پدیده، سیاستهای منفعلانه باز در پیش گیرند، زمینه را برای نفوذ هر چه بیشتر رسانه ها و تضعیف مبانی فرهنگی جامعه فراهم خواهند ساخت.

بعضی از انواع رسانه ها در جهت بیداری ملتها، در جهت مقابله با این فرآیند و تأکید بر فرهنگهای متمایزگام برمی دارند. این گونه رسانه ها با یکسویه دانستن نظم در حال شکل گیری، فرآیند جهانی شدن را حرکتی برای اضمحلال فرهنگ های بومی و ایجاد يك رشته ارزشها هنجارهای جهانی برخاسته از فرهنگ غربی می دانند. این مسئله را می توان تا حدی در مورد کشورهای جهان سوم صادق دانست؛ از آن جا که این کشورها از طریق ادغام با نظام اقتصاد جهانی در مسیر توسعه یافتگی قرار گرفته اند، ممکن است تنشها و تعارضهایی در جامعه رخ دهد که برخاسته از نیروهای تحریک برانگیز رسانه ای باشد.

رسانه ها با عرضه مفاهیمی که همه رسانه ای شده است می توانند نقش عمده ای را در مفهوم سازی، تصمیم سازی و تاثیرگذاری بر حیات سیاسی و اجتماعی کشورها ایفا کند و علاوه بر انتقال پیام، به الگوسازی و فرهنگ سازی نیز مبادرت ورزند در این صورت رسانه ها می توانند به صلح آمیز شدن سیاست خارجی کشور کمک کنند؛ بدین معنا که با تقویت ارزشهای مردم سالار و ساز و کارهای همکاری جویانه و تاکید بر اصولی از قبیل احترام متقابل، برابری حاکمیت ها، پرهیز از کاربرد زور، ترویج گفتگو و ارتباط بین ملتها، تبادل افکار، تحمل و مدارای ملتها با یکدیگر، مخالفت با قدرت طلبی و اقتدارخواهی، ترویج چندصدایی و چند فرهنگی در عرصه بین المللی، توسعه سیاسی، قانونگرایی، حکومت قانون، مسئولیت شهروندی و عقلانیت گرایی در جهت پدیداری فرهنگ مشترک جهانی با ارزشهای دموکراسی، آزادی و حقوق بشر عمل کنند و با آموزش صلح جهانی و ترویج ضرورت برقراری صلح بین المللی و ائتلاف برای صلح جهانی، به تقویت صلح دموکراتیک جهانی و گسترش تفاهم بین المللی یاری رسانند (جام جم آنلاین، 1381).

اسلام و جهانی شدن

رویکرد به مفهوم جهان‌نشدن، چه در تئوری و چه در عمل، پیشینه‌های به قدمت بشر دارد؛ زیرا گرایش به جهان‌نشدن، نخست در ادیان الهی بروز کرد، به گونه‌ای که ادیان بزرگ الهی، چون یهودیت، مسیحیت و اسلام، سودای جهان‌سازی داشتند، و هر یک از آنها، درصددند امت یگانه و حکومت واحد جهانی پدید آورند؛ البته در این میان، اسلام برترین و کاملترین شکل جهان‌سازی دینی را مطرح کرده است: «ان الارض یرثها عبادي الصالحون» (105/ انبیاء). مخاطبان در جهان‌سازی اسلامی، نه عرب، نه عجم، نه مکی، نه مدنی و نه حتی مسلمانان، بلکه تمام مردمانند، و معنویت (خدا) و عقلانیت (انسان) دو عنصر اساسی آن است. اسلام به عنوان نظامی دینی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی از آغاز پیدایش خود و بنا به تعالیم و آموزه‌های قرآن و پیامبر اسلام خود را آیین و دینی جهانی و برای همه اعصار و برخوردار از جهت‌گیری‌های جهانی دانسته است. با کنکاشی در آیات قرآن کریم، میتوان نمونه‌هایی را مشاهده کرد که بر جهانی بودن تعالیم اسلام تاکید داشته و با بهره‌گیری از آنها خصیصه جهانی بودن این آیین، در فلسفه سیاسی آن نهادینه شده است.

جهانی بودن دین اسلام را میتوان هم از طریق مطالعه محتوای آموزه‌ها و متن پیام‌های آسمانی این دین و تصریحاتی که در منابع اصیل اسلامی نسبت به جهانی بودن این دین، و جهانی بودن نبوت و خاتمیت رسالت پیامبر شده است، مورد توجه قرار داد، و هم با توجه به مبانی عقلانی و علمی و هماهنگی این دین با فطرت نوع بشر اثبات کرد. در کنار ادیان الهی، تمدنها، کشورها، و مکتب‌هایی نیز بوده‌اند که -براساس اندیشه‌های جاهطلبانه، سودجویانه و توسعه خواهانه، میل به جهان‌گرایی داشته، و حتی کوشیده‌اند، در قالب جهان‌نگشایی به آن جامه عمل بپوشانند. بابلیان و رومیان از همین تمدنها و کشورها

هستند که در پی نیل به حکومت بر جهان و واداشتن همگان به پیروی از ارزشهای خود بوده اند (عبدالحمید، 1380: 9). برخی از اندیشمندان اسلامی، همچون محمد قطب معتقدند: «جهانی شدن نه تنها موجب تضعیف و طرد دین نخواهد بود، بلکه موجب تقویت و انتشار دین و بیداری اسلامی در تمام نقاط زمین خواهد بود.» (سید قطب، 1382: 12). جهان‌نشدن و تشکیل حکومت جهانی از دیرباز به عنوان یکی از آرمانهای بشریت مطرح بوده است. انسانها همواره خواهان آن بوده‌اند که در پرتو اصول مشترک و متعالی به جنگها و درگیریها خاتمه داده و زندگی مسالمت‌آمیزی را محقق سازند. پیامبران الهی نیز تحقق چنین آرزویی را در آینده تاریخ بشریت بشارت داده‌اند که وجود تفکر ظهور يك منجي جهانی در میان ادیان و مذاهب مختلف خود دلیلی بر این ادعا می‌باشد (خلیلیان، 1362: 112). در این میان فرهنگ اسلامی توجهی ویژه به بعد جهانی فرهنگ دارد، اسلام تنها فرهنگی است که برای همه شئون حیات بشر، راهبردها و راه‌حلهای اساسی برای حلّ معضلات جهانی دارد (خسروشاهی، 1351: 67). همان‌طور که بوزار اشاره دارد: «ایدئولوژی اسلام قادر است نظام تازه‌ای در روابط بین ملت‌ها بر اساس انسان‌گرایی و معنویت ایجاد کند» (بوزار، 1361: 125)

جهان‌نشدن مشتمل بر امواجی است که به نظر می‌رسد نظم برآمده از عصر جدید را دستخوش تغییر و دگرگونی نموده است. اندیشمندان و نظریه‌پردازان معاصر معتقدند که تفکر جهان‌نشدن از اندیشه‌های کلیدی ورود انسان معاصر به هزاره سوم میلادی است (کیلی و مارفیت، 1380: 123). با توسعه و گسترش وسایل ارتباطی از قبیل اینترنت و ماهواره ما شاهد يك نوع تنیدگی جهانی و ارتباط تنگاتنگ جوامع بشری هستیم بویژه در عرضه فرهنگ سیاست و اقتصاد. فرآیند جهان‌نشدن از یکسو موجب افزایش معرفت بشری و تحکیم روابط بین‌المللی شده و يك رفاه و توسعه نسبی را برای جهانیان به ارمغان خواهد آورد ولی از دیگر سو سبب بروز چالش‌هایی در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شده و می‌شود، بطوری که طرفداران دیدگاه رهیافت واگرایی معتقدند که حرکت اصلی فرآیند جهان‌نشدن به سمت افزایش نابرابری و عدم تعادل بین ملت‌ها شده است (کیانی، 1380: 29). یکی از مهم‌ترین تأثیرات جهانی شدن، تأثیر بر وضعیت فرهنگ‌ها و ادیان است. از این‌رو، جهانی شدن برای جوامع اسلامی در کنار فرصتهایی که ایجاد میکند، به عنوان یکی از دغدغه‌های مهم و چالش‌برانگیز به شمار می‌رود.

اسلام و جهانی شدن؛ تهدیدها و فرصت‌ها

ایدئولوژی اسلام این شایستگی و توانایی را دارد که بر روی ویرانه‌های جوامع از هم‌پاشیده، جامعه‌ای نو، بنیاد نهد. اسلام قادر است در قلوب پیروان خود آنچنان هیجانی برپا کند که قاطعانه با موانع و مشکلات، به نیروی ایمان و اتحاد، پیکار جویند. نقش ایمان تنها به خودسازی فرد مسلمان خاتمه نمی‌یابد و از نظرگاه اجتماعی، در جهان امروز، می‌توان دیانت اسلام را در هیأت ایدئولوژی فراگیر با دو ویژگی تساهل و بلندپروازی به جهانیان معرفی کرد. ایدئولوژی اسلام قادر است نظام

تازه‌ای در روابط بین ملت‌ها بر اساس انسان‌گرایی و معنویت ایجاد کند (بوازار، 1361: 125). از لحاظ جهانی، مسلمانان نیاز به پیگیری یک رویکرد ارتباطی متحد خارجی در قبال جهانی شدن به منظور تقویت موقعیت خارجیشان در ساختار جهانی دارند. روابط خارجی دولتها این امکان را میدهد که برای حضور در بازارهای جهانی و تأثیرگذاری بر نهادهای بین‌المللی تلاش کنند. هیچ کشور مسلمانی به تنهایی در یک موقعیت قوی قرار ندارد که چنین قدرتی داشته باشد. پس بنابراین، مسلمانان باید با تلاش دسته جمعی روابطشان را با کشورهای دیگر گسترش داده و از منافعیشان دفاع کنند. مسلمانان باید تلاش کنند تا انتقال دانش جهانی را به جوامعشان با تعمیم امکانات استاندارد برای برخورداری از دانش جوامع بین‌المللی، تسهیل کنند. تحت این شرایط، تکنولوژی اطلاعاتی مسلمانان، نه تنها توسعه پایدار در جهان اسلام ایجاد میکند بلکه همچنین ابزاری برای استفاده مشترک در تبادل دانش با بقیه جهان فراهم می‌آورد (لطفی و محمدزاده، 1389).

افزایش تعداد کاربران اینترنتی در جهان اسلام، از یک جهت تهدید محسوب میشود چرا که در حال حاضر، هزاران سایت مغایر با ارزشها و تعالیم اسلامی در فضای سایبر در حال فعالیت هستند و روزانه میلیون‌ها کاربر از سراسر جهان و همچنین در جوامع اسلامی به آنها مراجعه میکنند. این جریان میتواند پدیدآورنده چالشهایی برای جهان اسلام باشد. در برخورد با این مسئله، کشورهای اسلامی اغلب در پی ارائه و اعمال راهکارهایی برای مقابله با این چالشها خواهند بود. اعمال سیاست فیلترینگ و فعالسازی هکرها در فضای سایبر در همین راستا می باشد. از سوی دیگر باید توجه داشت که فضای سایبر برای جهان اسلام میتواند کارکردی دوگانه داشته باشد. یعنی همچنان که تهدیدی جدی در راستای کمرنگ کردن ارزشهای اسلامی به حساب می‌آید؛ در عین حال میتواند فرصتی در اختیار این جوامع قرار دهد تا از طریق آن بتواند مروج ارزشها، آموزه ها و تعالیم این دین آسمانی باشد و در جهت تبلیغ و گسترش آن در سایر جوامع جهان بکوشد.

به طور کلی چالش‌هایی که اسلام در فرایند جهانی شدن با آنها روبه روست عبارتند از:

1- چالشهای هویتی: چالشهای هویتی بدین شکل ایجاد میشوند که با نفوذ بیشتر ارزشهای لیبرال دموکراسی غرب در جوامع اسلامی و شکلگیری تعارضات هویتی در نتیجه آن، از خود بیگانگی در میان شهروندان تقویت شده و با کمرنگ کردن ارزشهای اسلامی، ارزشهای مورد تأکید غرب به مرور جایگزین فرهنگ اسلامی میشود. در این راستا شاخص حفظ و احیای هویت دینی و مبارزه با تهاجم فرهنگی بیگانه مورد تهدید واقع شده است.

2- رشد و تقویت قومگرایی و تأکید بر هویت‌های ملی به جای هویت اسلامی و خلق و گسترش ستیز در درون جوامع اسلامی: با آغاز روند جهانی شدن، خاص‌گرایی‌های فرهنگی تقویت شده و حرکتهای قومی و احساسات

ملی و ناسیونالیستی افزایش یافت. اسلام محور اتحاد را پایبندی به ارزشهای اسلامی و تأسی به آیه‌ها و اعتصام بحبل الله جمیعاً و لاتفرقوا" میداند. اما تبلیغات منفی علیه اسلام روند وحدت جهان اسلام در آینده را با مشکل مواجه خواهد کرد که در این میان شاخص وحدت کلمه امت اسلامی دچار چالش است.

3- ارائه تصویر نامطلوب از اسلام در میان جوامع جهان: تبلیغات ضد دینی با بهره‌گیری از ابزار تکنولوژی در قالب استفاده از ابزار رسانه‌های صوتی و تصویری و فضای سایبر، تنها محدود به درون جوامع اسلامی نبوده بلکه این حرکت، به ارائه تصویری نامطلوب از اسلام و مسلمانان در سایر جوامع -نیز انجامیده است. مسائلی از قبیل ترور، عدم رعایت حقوق بشر و حقوق زنان، تهدید، خشونت، عقب ماندگی، بربریس و ابتر بودن نمونه‌هایی از تفسیر وحشت‌آفرین و تخریبی علیه مسلمانان در رسانه‌ها، فیلم‌های غربی و فضای سایبر است (افروغ و دیگران، 1388: 459). اندیشه‌های لیبرال دموکراسی غرب شاخص‌هایی از قبیل ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جهان اسلام را با تصویری نامطلوب و در راستای -اشاعه ترور و دامن زدن به اقدامات تروریستی و خشونت‌طلبانه برای شهروندان مختلف جهان ارائه می‌دهد. عدم رعایت حقوق زنان در جوامع اسلامی نیز موضوعی بوده که شاخص تأکید بر جایگاه زنان در جامعه اسلامی را بارها زیر سوال برده است.

4- ترویج مباحث و موضوعات غیر اخلاقی در میان جوانان در جهان اسلام و اجرای پروژه دین زدایی در این چارچوب: امروزه هزاران سایت در سطح گسترده‌های ترویج دهنده انواع هرزه‌نگاری‌ها، تصاویر و فیلم‌های مستهجن هستند که دسترسی به آنها به راحتی امکان‌پذیر است. نتایج یک کار پژوهشی نشان می‌دهد که برای نمونه کاربران ایرانی در فضای سایبر، عمدتاً جوان، کم تجربه، مذکر و مجرد هستند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، در چند سال اخیر همواره "کلمات پورنو" در لیست مهمترین کلمات جستجو شده کاربران ایرانی بوده ترویج این موضوعات در فضای سایبر در چارچوب اجرای پروژه دین زدایی است (احمدی پور و دیگران: 1389، 13). که شاخص‌هایی از قبیل التزام علمی به دین اسلام، حفظ و احیای معنویات و اخلاق اسلامی و نفی مادیگرایی و تفکر اومانیستی، پایبندی به شعائر فردی و اجتماعی دین اسلام و اعتقاد به خدا و روز جزا را مورد چالش قرار داده است.

5- ترویج الگوی زندگی غیر اسلامی و در معرض تهدید قرار گرفتن بنیان خانواده در جهان اسلام: اسلام بر تشکیل خانواده و ارضای غرایز در چارچوب آن تأکید بسیار داشته و در این راستا، توجه زیادی بر قانونمند شدن روابط زن و مرد در چارچوب ارزشهای اسلامی دارد. اما تفکر لیبرال دموکراسی غرب، اندیشه‌های غیر از این را مورد تأکید قرار داده و در جهت مخالف آن عمل میکند. امروزه فضای سایبر، فضایی را فراهم آورده که ارزشهای مد نظر اسلام در مورد خانواده و روابط زن و مرد را زیر سوال می‌برد. یکی از بارزترین این موارد در کنار منابع مکتوبی که تبلیغ میشود فعالیت در اتاق‌های گفتگو یا به عبارتی چت رومها است که امروزه موجبات آشنایی و برقراری روابط نامشروع دختران و پسران جوان و

یا حتی مردان و زنان متاهل در جهان اسلام را فراهم آورده که در موارد متعددی وقوع جرم و جنایات و از هم پاشیدگی بنیان خانواده‌ها را در پی داشته است. در این چارچوب شاخصه‌هایی همچون حفظ کیان خانواده و پایبندی به روابط شرعی میان زن و مرد در جهان اسلام مورد چالش واقع شده است.

راهکارهایی برای استفاده از فرصتها و جلوگیری از چالشها

با توجه به چالش‌های ذکر شده، خطرترین وظیفه مسلمانان در قبال روند جهانی‌شدن، مقابله با مفروضات و مبانی فرهنگ غرب است، نه نفی دستاوردهای علمی غرب. به قول یکی از نویسندگان: «امروز مسلمانان بیش از هر زمان دیگری نیاز دارند که از پیشرفت‌های علمی دنیا و فرهنگ و تمدن جهانی آگاه باشند و نکته‌های مثبت آن را کسب کنند. ولی در این زمینه، نباید مرعوب غرب شوند و از توانایی‌ها و قابلیت‌های دین اسلام غفلت ورزند» (نکوئی سامانی، 1376: 255). هر روز که می‌گذرد، مظاهر فرهنگ غرب در برابر فرهنگ اسلامی، که مبتنی بر تکامل معنوی و تعالی روحی است، نفوذ خود را از دست می‌دهد. اگرچه غرب با پیشرفت‌های صنعتی و پژوهش‌های علمی خود، همچنان جاذبه خود را در بین همه ملت‌ها دارد، ولی با این همه، این جاذبه از دل‌بستگی مسلمانان به معنویت اسلام و ایمان به خدا، نکاسته و امت اسلامی را به تقویت بنیان‌های تمدن اسلامی و الهام از تجربه‌های تاریخی صدر اسلام دل‌گرم ساخته است. مسلمانان این واقعیت را پذیرفته‌اند که در شرایط جهان امروز، اسلام در صورتی می‌تواند نقش راستین خود را ایفا کند که ملت‌های مسلمان به موازات ایمان مذهبی و ارزش‌های اخلاقی، به ابزارهای صنعتی و علمی مجهز باشند. چرا که همانطور که بوازار اشاره دارد: «اسلام قادر است در قلوب پیروان خود آنچنان هیجانی برپا کند که قاطعانه با موانع و مشکلات، به نیروی ایمان و اتحاد، پیکار جویند. نقش ایمان تنها به خودسازی فرد مسلمان خاتمه نمی‌یابد و از نظرگاه اجتماعی، در جهان امروز، می‌توان دیانت اسلام را در هیأت ایدئولوژی فراگیر با دو ویژگی تساهل و بلندپروازی به جهان‌نیان معرفی کرد» (بوازار، 1361: 125).

مسلمانان و اندیشمندان و متفکران جهان اسلام باید از جنبه نظری، به بازتعریف و تحلیل خاستگاه و زمینه‌های تاریخی پیدایش تمدن غرب و جهانی‌شدن و عواقب و پیامدهای آن بپردازند و از جنبه عملی و کاربردی نیز با استفاده از ابزارهای فناورانه رسانه‌ای، مانند ماهواره و اینترنت و انواع وسایل جدید ارتباطی، این امکانات را به عنوان یک فرصت و فضایی مناسب برای نشر عقاید و ارزش‌های اسلامی خود تلقی کنند و در فرایند تحولات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در هر نقطه‌ای از جهان نقش خود را ایفا نمایند. به قول ماهاتیر محمد نخست وزیر سابق مالزی «مسلمانان باید با کوششی هماهنگ، بر فرایند جهانی‌شدن تأثیر بگذارند و آن را قانونمند سازند». رسالت دیگر اندیشمندان مسلمان در شرایط کنونی، یافتن راه‌حلی برای بحران‌های فکری و معنوی جهان حاضر و کوشش در جهت تسخیر روح معنویت و فکر تمدن غرب است و از این نظر، توجه به بنیادها و مبانی فلسفی و سیاسی و اقتصادی تمدن

غرب و بحران‌های اجتماعی و فرهنگی و دینی عمیق عصر حاضر، که منجر به بروز و ظهور مکاتب الحادی و لائالیگری و صدها مکتب پوچ و سرگرم‌کننده و خلأهای فکری و اعتقادی در غرب شده، حایز اهمیت است. بدین‌رو، اندیشمندان اسلامی باید بکوشند برای نیازهای عقلانی، فطری، معنوی بشر امروز پاسخ اقناع‌کننده‌ای ارائه نمایند و این خود، امتیازی بزرگ برای اسلام و اندیشمندان اسلامی در جهان امروز است. همچنین از راهکارهای مهمی که می‌توان با استفاده از رسانه‌ها به شناساندن ظرفیت‌های جهان اسلام و تلاش برای همگرایی در دنیا با استفاده از ارمان صلح خواهی اسلامی، را پیگیری نمود می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

بالا بردن سواد رسانه‌ای در جهان اسلام

سواد رسانه‌ای (Literacy Media) در یک تعریف بسیار کلی عبارت است از یک نوع درک متکی بر مهارت که براساس آن می‌توان انواع رسانه‌ها و انواع تولیدات آن‌ها را شناخت و از یکدیگر تفکیک و شناسایی کرد (شکرخواه، 1385: 27). سواد رسانه‌ای مهارت‌هایی لازم را برای برقراری ارتباطی متفکرانه و آگاهانه با رسانه‌ها می‌آموزد و در عین‌حال دیدگاهی تحلیلی و نقادانه نسبت به پیام‌های رسانه‌ای فراهم می‌کند (قاسمی، 1385: 97).

در واقع سواد رسانه‌ای می‌تواند به مخاطبان رسانه‌ها در جهان اسلام بیاموزد که از حالت انفعالی و مصرفی خارج شده و به معادله متقابل و فعالانه‌ای وارد شوند که در نهایت به نفع خود آنان باشد. به دیگر سخن، سواد رسانه‌ای کمک می‌کند تا از سفره رسانه‌ها به گونه‌ای هوشمندانه و مفید بهره‌مند شد. امروز در دنیایی زندگی می‌کنیم که خواه ناخواه در شرایط اشباع رسانه‌ای قرار دارد، فضای پیرامون ما سرشار از اطلاعات است و وقتی به عنوان مثال تلفن همراه یک نفر به صدا درمی‌آید این اطلاعات موجود در فضا است که پل ارتباط او با تماس‌گیرنده شده است، یا زمانی که یک مودم می‌تواند افراد را به جهان بی‌انتهای اینترنت بکشانند، نشانه‌ای دیگر است از همین شرایط حاکمیت اشباع رسانه‌ای بر جهان و یا حالا که میلیون‌ها روزنامه و مجله و کتاب و خبرگزاری و شبکه‌تلویزیونی، شبکه‌های اجتماعی، بر زمین و زمان می‌بارد همه نیاز دارند به اینکه در برابر چنین فضایی، چتری برسر بگیرند و یک رژیم مصرف اتخاذ کنند، همه نیاز دارند به اینکه در انتخاب‌هایشان بیشتر دقت کنند، درست مثل اینکه حالا مردم در مورد تغذیه خودشان عمل می‌کنند. چون مردم اکنون با سوادتر شده‌اند؛ مراقب هستند که در غذایی که مصرف می‌کنند چقدر کلسترول، ویتامین و یا مواد دیگر باید باشد، در فضای رسانه‌ای هم باید دانست چه مقدار باید در معرض رسانه‌های مختلف اعم از دیداری، شنیداری و نوشتاری بود و چه چیزهایی را از آن‌ها برداشت.

نگارندگان بر این عقیده اند که از آنجا که رسانه‌ها اعم از تلویزیون، ماهواره، رادیو،

اینترنت، شبکه های اجتماعی، فیلم، ویدئو، روزنامه و مجله هر روز و بطور فزاینده اطلاعات، سرگرمی ها و آگهی های مختلفی را به ما عرضه می کنند و همگی نقش مهمی در شکل دهی و نفوذ به فرهنگ، ارزش ها، دیدگاه ها و اعتقادات ما ایفا می کنند. اگر مسلمانان سواد رسانه ای لازم را داشته باشند، توانایی تحلیل و ارزیابی رسانه ها را دارند و پیام های رسانه ها را بدرستی دریافت می کنند.

ایجاد اتحادیه های بین المللی رسانه ای در جهت تحقق وحدت اسلامی

امروز یکی از مهم ترین ضعف های مسلمانان نداشتن وحدت در زمینه های فکری فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و نظامی است. وحدت اسلامی و خوداتکایی مسلمانان و کاهش وابستگی به قدرت های بیگانه در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و حمایت از حقوق ملت های مسلمان در صحنه های بین المللی یکی از وظایف مهم ملت ها و دولت های اسلامی است. جهان اسلام ضمن مرزبندی هویت خود با فرهنگ و تمدن بیگانه، باید درصدد ساختن هویتی یکدست و منسجم برای پیروان این مکتب در قالب «امت» واحد باشد؛ زیرا یکی از عوامل مهم عزت و اقتدار مسلمانان توجه به همین اصل استراتژیک است. استعمارگران با تقسیم کشورهای اسلامی به دولت های کوچک، پاره پاره کردن مرزهای جغرافیایی جوامع اسلامی و ایجاد انواع مرزبندی های سیاسی و فرهنگی، امت اسلامی را دچار تشتت و تفرقه های داخلی نموده اند. (نکوی سامانی، 1387).

از آنجا که در عصر حاضر جهانی شدن رسانه فزاینده است که هر روز بر قدرت آن افزوده می شود و به قولی تقدیری است که خواه ناخواه برسراسر جهان سایه افکنده است و خواسته یا ناخواسته، جهان اسلام و سایر جوامع در معرض پدیده جهانی شدن قرار گرفته اند و نمی توانند فارغ از تأثیرات آن باشند. لذا در چنین شرایطی در برخورد منطقی با این واقعیت، می توان از فرصتهایی که فضای سایبر در اختیار قرار می دهد استفاده کرده و با راه اندازی اتحادیه های رسانه های مختلف مانند اتحادیه رادیو تلویزیون های اسلامی، اتحادیه مطبوعات جهان اسلام و... با موضوعات و مباحث متنوع، به ترویج آیین های مناسب و مورد پذیرش جامعه اسلامی در مقابله با چالش ها جهان اسلامی و همچنین در رشد معنویت و ایجاد همبستگی و وحدت بین جوامع اسلامی و دفاع از مسلمانان در سراسر جهان کمک کرد.

مسلمانان این واقعیت را پذیرفته اند که در شرایط جهان امروز، اسلام در صورتی می تواند نقش راستین خود را ایفا کند که ملت های مسلمان به موازات ایمان مذهبی و ارزش های اخلاقی، به ابزارهای صنعتی و علمی از جمله رسانه های قوی مجهز باشند. همچنین از آنجا که سازمان های بین المللی از جمله سازمان ملل متحد و دیگر بخشها و سازمان های وابسته به آن از قبیل: شورای امنیت، شورای اقتصادی- اجتماعی و آژانس های تخصصی وابسته به آن از همان آغاز شکل گیری، به دور از تأثیر جهان اسلام بوده و از جانب غرب و صهیونیسم تسخیر شده اند تا علیه مصالح دنیای اسلام و مسلمانان

بکار گرفته شوند (فتحی یکن، رامز طنبور، 1387: 114). بدین ترتیب تاسیس اتحادیه های بین المللی رسانه ای جهان اسلام منجر خواهد شد که همکاری و هماهنگی میان رسانه های جهان اسلام از جمله تلویزیون و مطبوعات و... در ابعاد فرهنگی، دینی و سیاسی براساس پایبندی کامل به منافع امت اسلامی افزایش یابد و جهان اسلام قادر است به مقابله با راهبرد اسلام هراسی رسانه های غرب و صهیونیسم برخیزد و به تقریب مذهبی و تحقق وحدت مسلمانان کمک کند و با برقراری ارتباط میان نخبگان و اندیشمندان اسلامی، اسلام ناب محمدی را به جهانیان معرفی کند و تصویر زیبا اسلام را بجای چهره خشن و ترسناکی که از طرف رسانه های دشمن اسلام معرفی می شود، تبلیغ کرد.

همگرایی رسانه ای بین کشورهای اسلامی

در عصر امروز جهانی شدن رسانه در حال گسترش در تمام کشورهای جهان می باشد و راه نجات از غرق شدن در امواج سهمگین آن شنا در جهت مخالف آن و یا واگذار کردن خود در دست تقدیر نیست بلکه ساختن کشتی مستحکمی است تا توانست به راحتی از این امواج بهره گرفته و به سمت پیشرفت و ساحل ارتقا حرکت کرد (میلسون، 1381: 14). امروزه جهان اسلام و به ویژه کشورهای سوریه، عراق، عمان، لبنان، افغانستان و... با چالش های فراوانی در زمینه بنیادگرایی، خشونت، تروریست، تجاوز نظامی، اشغالگری و کشتار بی رحمانه کودکان، زنان و مردان بی گناه روبرو است و اکثر این جنایات به نام اسلام و مخدوش کردن چهره اسلام در رسانه های جهانی بازتاب داده می شود. همچنین آرائی تصویر موحش از مسلمانان، منتسب ساختن تمامی حوادث سوء، انفجارها، ترورها و بحران های اقتصادی مسلمانان در دستور کار رسانه های غربی است. ساخت فیلم هایی شبیه فتنه، چاپ کاریکاتور و امثال اینها، تنها یکی از هزاران نمونه هستند (شیرودی، کاظمی، 1390: 154-155).

امر مبرهنی است که رسانه های غربی با استفاده از منابع مالی قابل ملاحظه و شبکه های متنوع در تلاش اند که تصویری نامناسب از اسلام به افکار عمومی ارائه دهند. در همین حال، هرچند مسلمانان تلاش می کنند که این تصویر نادرست را تصحیح کنند و به نوعی با این تصویر مقابله کنند، با توجه به سلطه جهانی رسانه های غربی، عموماً تلاش های آن ها بی فایده (و یا کم فایده) بوده است. غرب براساس تجربه های جنگ های جهانی و دوران جنگ سرد، دارای توان بسیار حرفه ای در راه تبلیغات و انتقال پیام های مورد نظرش شده است و این چیزی است که مسلمانان از آن بی بهره اند (درخشه، 1389). در همین راستا ضرورت دارد کشورهای اسلامی و سازمان ها و نهادهایی مانند سازمان کنفرانس اسلامی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، اتحادیه رادیو تلویزیون های اسلامی، اتحادیه مطبوعات جهان اسلام و دیگر نهادها و اتحادیه ها بصورت جدی، فعال و منسجم با ایده های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی در راستای اصل انسجام اسلامی با تولید برنامه های قوی در مقابله با هجمه رسانه های غربی بپردازند و دین رحمانی و صلح طلب اسلام را معرفی کنند. همچنین با همفکری اندیشمندان، روشنفکران، علما و سیاسیون جهان اسلام،

شبکه های جهانی رسانه ای اسلام با دیدگاه تقریبی و وحدت جهان اسلام تاسیس شود و عرصه های مختلف رسانه ای (روزنامه، ماهواره، خبرگزاری، فیلم، شبکه های اجتماعی و) برای نخبگان جهان اسلام با دیدگاه تقریبی فراهم شود که بتوانند گفتمان مشترکی در راستای تحقق وحدت اسلامی ایجاد کنند. با ایجاد شبکه ها جهانی رسانه ای اسلام می توان تمامی تولید محتوا تقریبی و وحدتی که در جهان اسلام تولید می شود در جهت همگرایی مسلمان استفاده کرد و ارسال آن محتوا به دنیای شرق و غرب برای ارائه تصویر صحیح از چهره اسلام تاثیر گذار خواهد بود. در واقع امروزه جهان اسلام با تصویری که از آن در افکار عمومی جهان شکل گرفته است نیازمند و تشنه رسانه های با محتوا صلح و همگرایی اسلامی می باشد.

جمع بندی

با توجه به این که امروزه فرایند جهانی شدن اجتناب ناپذیر است لذا تلاش برای در امان ماندن از تهدیدهای آن و استفاده از فرصت هایی که در این فرایند ایجاد می شود مهم می باشد. از طرفی دیگر با رشد رسانه ها و توسعه روزافزون شبکه های ارتباطی این فرصت فراهم شده است که فرهنگ ها و هویت های مختلف بتوانند بیش از پیش به ارائه نظرات و قابلیت های خود بپردازند و در دنیا دیده شوند هر چند به همان اندازه هم در معرض هجوم قرار دارند.

در این میان فرهنگ اسلامی نیز می تواند با استفاده از این فرصت ایجاد شده و با تدبیری مناسب ضمن تاکید بر تقریب و همگرایی در داخل جهان اسلام و با رویکردی اتحادطلبانه و با استفاده از رسانه های اسلامی به احقاق حقانیت دین اسلام بپردازد و از ارائه چهره ای خشن و نامطلوب از دین اسلام جلوگیری نماید. با ایجاد شبکه ای رسانه ای قدرتمند و با رویکردی تقریبی در دنیای اسلام می توان از فرصت بی بدیل جهانی شدن بهره گرفت و ضمن شناساندن آرمان ها و رساندن پیام های دین اسلام به دیگران از هجمه ها و تهدیدهای علیه اسلام جلوگیری کرد و نگاه رأفت آمیز اسلامی را حاکم نموده و اجازه نداد مسائلی مثل تروریسم و تروریست ها خود را نماینده اسلام ناب جا زنند.

احمدی پور، زهرا و ابوالفضل کاوندی کاتب و میثم میرزایی تبار (1389)؛ چالشهای جهان اسلام در عرصه جهانی شدن، در مجموعه مقالات چهارمین کنگره بینالمللی جغرافیدانان جهان اسلام، 25 تا 27 فروردین، زاهدان.

افروغ، عماد و دیگران، (1388)؛ «جهانی شدن و جهان اسلام»، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران.

برگر، پیتر و ساموئل هانتینگتون (1384)؛ چند جهانی شدن: گوناگونی فرهنگی در جهان کنونی، ترجمه علی کمالی و لادن کیانمهر، تهران: انتشارات روزنه.

بوازار، مارسلا (1361)؛ اسلام در جهان امروز، ترجمه مسعود محمدی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

پورناجی، بنفشه (1387)؛ نگاهی به پدیده جهانی شدن رسانه ها: مخاطبان دیگر یکسان نمی اندیشند، روزنامه اعتماد، شماره 1891.

تاملیسون، جان (1381)؛ جهانی شدن و فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی.

جام جم آنلاین (1381)؛ نگاهی به تأثیرپذیری سیاست خارجی از رسانه هادر عصر جهانی شدن : رسانهها و سیاست در عصر جهانی شدن قابل دسترس در آدرس:

<http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100004213254>

حقیقت، سید صادق (1382)؛ «جهانی سازی و مسئولیت های فراملی» در جهانشمولی اسلام و جهانی سازی (مجموعه مقالات شانزدهمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی)، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

خلیلیان، سید خلیل (1362)؛ حقوق بین الملل اسلامی، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

درخشه، جلال (بی تا)؛ اسلام هراسی در رسانه های غربی، مجله رسانه، سال بیستم، شماره 3

درستی، احمد (1380)؛ «جهانی شدن و خاورمیانه عربی»، مجله مصباح، شماره 37.

دهشيري، محمدرضا (1380)؛ «ايران و جهاني شدن: تهديد ها و فرصت ها»، مجله مصباح، شماره 37.

رجايي، فرهنگ (1380)؛ پديده جهاني شدن: وضعيت بشري و تمدن اطلاعاتي، ترجمه عبدالحسين آذرنگ، تهران، آگاه

شكرخواه، يونس (1385)، سواد رسانه اي؛ يك مقاله عقیده اي، فصلنامه رسانه، سال هفدهم، شماره 4، شماره پيايي 68 زمستان.

شيرودي، مرتضي و سيد آصف كاظمي (1390)؛ «نقش رسانه هاي غرب در برابر گسترش اسلام در غرب»، [مجله سخن تاريخ، بابين، شماره 14](#).

عبدالحميد، محسن (1380)؛ جهاني شدن از منظر اسلامي، ترجمه شاکر لوثي، پگاه حوزه، شماره 34.

عبدالحميد علي، عادل (1379)؛ «جهاني شدن و آثار آن بر کشورهای جهان سوم»، مترجم [قريشي، سيد اصغر](#)، اطلاعات سياسي - اقتصادي، شماره 155 و 156.

فتحي يکن، رامز طنبور (1387)؛ جهاني شدن و آينده جهان اسلام، مترجم مولود مصطفايي، تهران، احسان

قاسمي، طهورث (1385)؛ سواد رسانه اي رويکرد جديد به نظارت، فصلنامه رسانه، سال هفدهم، شماره 4، شماره پيايي 68 زمستان.

قطب، محمد (1382)؛ مسلمانان و مسئله جهاني شدن، ترجمه زاهد ويسي، تهران، اميرکبير.

كاظمي، علي اصغر (1380)؛ جهاني شدن فرهنگ و سياست، تهران، قومس.

كياني، داود (1380)؛ «مقاله مقدمه اي بر جهاني شدن»، مجله اندیشه صادق، شماره 5.

کيلي ري و فيل مارفيت (1380)؛ جهاني شدن و جهان سوم، ترجمه شيخ عليان و نورائي، تهران، وزارت امور خارجه.

لطفی، حیدر و آزاده محمدراده (1389)؛ «فرآیند جهانی شدن و بررسی این پدیده در کشورهای جهان اسلام»، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بینالمللی جغرافیدانان جهان اسلام، زاهدان 25-27.

نش، کَیت (1380)؛ جامعه شناسی سیاسی معاصر جهانی شدن، سیاست و قدرت، ترجمه محمدتقی دل فروز، با مقدمه حسین بشیریه، تهران، انتشارات کویر، 1380.

نکویی سامانی، مهدی (1387)؛ اسلام جهانی شدن، شماره 133.

نیاکوئی، امیر (1386)؛ جهانی شدن و توسعه با نگاهی به ایران (گذار بر جهانی شدن و اقتصاد سیاسی ایران)، تهران: کتاب دانشجو، چاپ اول.

تافلر، الوین و دیگران (1377)؛ به سوی تمدن جدید، ترجمه محمدرضا جعفری، تهران: نشر سیمرغ چاپ سوم.

ها برماس، یورگن (1380)؛ جهانی شدن و آینده دموکراسی، مترجم کمال پولادی، تهران، مرکز.

منابع لاتین

Ardalan, Kavous. (2009); Globalization and Culture: four paradigmatic views: International Journal of Emeralds :Vol.36.No.5

Chaucil ,Nasli: (2000); Cathouction: CylenPolitica in international Relation. International Political deieneeReviluVol21 , No , 3.

Giddens, Anthony (1990); the consequences of modernity, London, Polity Press.

Held ,Danicl. (1999); GlolalTnanakarmation.Ztamland: ZtandandUnivencityPnead.

Kastelz.MManael (1990); Information systems and development in the third world.Information processing and management.Vol.26, No. 4.

[1]. دانش آموخته کارشناس ارشد علوم سیاسی

[2]. دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی

